

دیپلماسی به سبک غربی

به دنبال قدم زدن جناب آقای دکتر ظریف با جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در ژنو که مورد اعتراض بسیاری از گروه های سیاسی من جمله دانشجویان قرار گرفت و سخنگوی محترم دولت جناب آقای دکتر نوبخت علت این اقدام را سوال کردند. ایشان دانشجویان را به اساتید فن در این رشته احاله دادند^۱ و دانشجویان به تبع توصیه سخنگوی محترم ، اینجانب را مورد سوال قرار دادند و مرا به نوشتن این مطلب هدایت کردند.

اینکه آیا قدم زدن دو دیپلمات از دو کشور در عالم دیپلماسی و حین مذاکره امری عادی و طبیعی می باشد یا خیر بستگی اساسی به نوع نگاه و شیوه ی اتخاذ شده هر یک از دو دیپلمات نسبت به یکدیگر دارد. در این تردیدی نیست که دیپلماسی مدرن ساخته و پرداخته غربی ها می باشد و کشورهای درحال توسعه مصرف کننده آن بوده و از خود چیزی به عالم سیاست عرضه نکرده اند و الزاماً همچنان که مصرف کننده بسیاری از کالاها و روش های غربی بوده اند در این حوزه هم مغلد غرب می باشند. علی رغم اینکه ۳۶ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد و علی رغم اینکه اسلام و پیامبر اعظم دارای روش و منش خاصی در رفتار دیپلماتیک بوده اند و منابع متعددی تحت عنوان دیپلماسی پیامبر اعظم وجود دارد که می توانست مورد بهره برداری دیپلمات های ما قرار گیرد تنها حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری از کسانی بودند و هستند که در راستای دیپلماسی پیامبر اعظم حرکت کرده و می کنند. لیکن این منش و روش اسلامی نه تنها نهادینه نشده بلکه دیپلماتهای ما همچنان در چارچوب ضوابط و موازین دیپلماسی غربی عمل می کند و به جای اینکه با وسواس و حساسیت از روش و منش اسلامی بزرگان خودمان پیروی بکنند بر سر سفره ای نشسته اند که دنیای استکباری غرب برای ما پهن کرده است.

در دیپلماسی غربی رفتار ظاهری و شکل از محتوا جدا نیست و بنابراین آنها وسواس گونه از قواعد و منش هایی که خود مبدع آنها بوده اند دفاع نموده و انتظار دارند که دیگران نیز آن موازین را تحت

۱- نوبخت: بروید از اساتیدتان بپرسید ، اگر آنها گفتند مذاکره در حال نشستن بلامانع است ولی در حال قدم زدن اقدام ننگین است ، قطعاً اینجانب در دفاع از آنها تأمل مینمایم/ فارس

عنوان "پروتکل" رعایت کنند. در دیدگاه غربی ها قدرت و جایگاه یک دیپلمات غربی به ویژه دیپلمات آمریکایی با یک دیپلمات جهان سومی متفاوت است. آنها این تفاوت را هم در برخورد با یکدیگر و هم در فضای گفتمانی اثر گذار می دانند. این امر هم متأسفانه مورد قبول و پذیرش بسیاری از دیپلمات های کشورهای جهان سوم از جمله بعضی از دیپلماتهای کشور عزیز ما ایران واقع شده است.

در این نگاه غربی ها خود را در موقعیت والاتری می دانند و آمریکا هم خود را پلیس جهان و کدخدای دهکده جهانی می داند. متأسفانه ما هم بر این نگاه مهر تأیید زده راهی جز اینکه دم کدخدا را ببینیم و از حداقل حقوق خودمون در پیشگاه او دفاع بکنیم چاره ای نمی بینیم!

در این نگاه امریکا از آن چنان قدرتی برخوردار است که "می تواند با یک بمب ، سیستم نظامی ما را نابود کند!!"²

در این نگاه ما باید به کدخدا ثابت کنیم که ما نه تنها دشمن او نیستیم بلکه "تهدیدی هم علیه نظام سلطه مند او نمی باشیم" و می توانیم در یک سیاست "تعامل سازنده با او بازی برد - برد" مشارکت داشته باشیم.

در این نگاه دیگر آمریکا و غرب ، نه مستکبر است و نه "شیطان بزرگ" و نه ما در صدد شکست و تحقیر او هستیم و باید از طرح شعارهایی مانند اینکه "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند"³ و یا "آمریکا را زیر پا می گذاریم"⁴ خودداری نموده و رابطه ی دوستانه و صمیمانه میان دیپلمات های کشور ما و غرب به طور کلی و آمریکا به طور آخص برقرار کنیم. در اینجا است که این نگاه تأثیر خود را بر رفتارهای ما می گذارد. در این فضا باید یکدیگر را با اسم "جان" و "جواد" خطاب کنیم ، تعصبی هم در به کار بردن زبان خودمان نداشته باشیم بلکه به زبان آنها صحبت کنیم. در این فضا است که قدم زدن دیپلمات برجسته ی ایرانی و دیپلمات آمریکایی نه تنها ایرادی ندارد بلکه قدم زدن با

۲- به نقل از جناب آقای دکتر ظریف

۳- به نقل از حضرت امام خمینی (ره)

۴- به نقل از حضرت امام خمینی (ره)

نماینده کدخدای دهکده ی جهانی افتخار هم محسوب می شود! در این فضا است که در قبال هتاکی ها ، جسارت ها و مطالب خصومت آمیز غرب و آمریکا که به صورت علنی ابراز می شود و در سخنرانی ها و مصاحبه های سران و رؤسای دیپلماسی آنها مشهود است نه تنها به پاسخ گویی نمی پردازیم و سکوت می کنیم بلکه نظرات سخیف آنها را با طرح بهانه ی مصرف داخلی خودشان توجیه می کنیم. در این نگاه است که "یک توافق هرچند بد و حقیرانه را بهتر از عدم توافق" می دانیم و برای آن کمپین راه می اندازیم در حالیکه آمریکا و غرب صراحتاً و در خلاف آن اعلام می کنند که "عدم توافق برای آنها بهتر از یک توافق بد است."

در این نگاه بجای اینکه در مذاکرات و تماس با آنها به عوامل و ارزش های افتخار آمیز خود تکیه نموده و آنها را به چالش بکشانیم ، بلکه برعکس از "خالی بودن خزانه ی کشور و نیاز به رفع تحریم" هرچند اندک علناً سخن گفته و با دست باز و بر خلاف عرف دیپلماتیک عمل می کنیم. و حاصل این چنین نگاهی است که توافق نامه ای را که متن آن توسط کدخدا تهیه و دیکته شده است بدون هیچ اعتراضی و یا چانه زدنی و حتی برخلاف انتظار غربی ها امضاء نموده و به قول سرپرست روزنامه کیهان همه چیز را "نقد داده و نسبه هم نگرفته ایم."

به هر تقدیر هنگامی که قبول کردیم در چارچوب موازین و قواعد دیکته شده ی غرب و کدخدای دهکده با آنها به تعامل پردازیم و به دنبال بازی "برد - برد" با شیطان باشیم ماحصل آن چیزی جز خسران و ضرر برای اخذ حقوق ملت ایران نخواهد بود و مجبور خواهیم بود تا پایان ماجرا و در همان مسیر و یا همان روش گام برداریم.

به عبارت دیگر نه میتوانیم کدخدا را برای زورگوئیهایش مواخذه نموده و او را از خود برنجانیم بلکه حقوق و منافع خودمان را از او درخواست و التماس می کنیم.

وقتی که این مسیر را انتخاب کردیم ، قدم زدن با وزیر خارجه ی قد بلند آمریکا که معروف به بابا لنگ دراز است نه تنها تحقیر و ننگی برای ما نخواهد بود بلکه توجیه پذیر و حتی افتخار آمیز نیز می باشد!